

نگاهی به نشریه ندای زنان

مقاله

الهه باقری

کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی



اشاره

شماری از بانوان ایرانی در جنبش مشروطه به این حقیقت بزرگ پی بردند که زنان نیمی از ملت هستند و می‌توانند نیروی بزرگی در راه ترقی و نجات کشور باشند، اما قانون انتخابات به این مهم توجهی نکرد و زنان را هم‌ردیف دیوانگان و مجرمان شمرد و به آنان حق رأی نداد. با این حال تأثیر انقلاب مشروطه بر جامعه زنان ایران کم‌تر از چهار سال بعد آشکار شد؛ هنگامی که نشریات زنان کار خود را آغاز کردند. تا پیش از مشروطه اخبار و گزارش‌های فعالیت‌های زنان در نشریات حبل‌المتین، ایران‌نو، ندای وطن و مساوات انتشار می‌یافت، ولی حدود چهار سال پس از فرمان مشروطه، زنان خود با انتشار نخستین نشریه تخصصی، آگاه‌سازی زنان و مردان را از طریق رسانه‌های مکتوب آغاز کردند.

مشروطه برای زنان فعال در مطبوعات، دوره کنش‌گرایانه‌تری بود. آنها فرصت یافتند از طریق رسانه‌های مکتوب، خواسته‌های خود را فریاد بزنند. واژه‌های حق، آزادی و عبادت آنچه زنان می‌خواهند و به طور کلی آزادی خواهی آنان در ادبیات نشریات زنان جاری و ساری شد، در حالی که تا پیش از مشروطه تنها در نشریات فارسی زبان خارج از ایران به چشم می‌خورد.

در دوره پهلوی، زندگی زن ایرانی سرشار از تضادها بود. تضادهایی که بین فرهنگ سنتی جامعه و نوگرایی جدید به وجود آمده بود. با آغاز حکومت پهلوی اول، نشریات زنان همچون بیشتر نشریات، با سیاست‌های فرهنگی حکومت همسو شدند. با آغاز دوره پهلوی دوم، نشریات زنان نیز همپای دیگر نشریات، از موقعیت جدید سیاسی پیروی و فعالیت خود را با مضامین نو و گرایش‌های سیاسی شروع کردند.

چکیده: نشریه هفتگی ندای زنان، از نشریات ویژه زنان در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ادبی، هنری، علمی، بهداشتی و پزشکی بود؛ که به سردبیری و مدیریت مریم میرهادی منتشر می‌شد. نویسنده در نوشتار حاضر، سعی در معرفی نشریه مذکور دارد. وی در راستای این هدف، مطالب را با نگاهی به نشریات زنان در دوره پهلوی دوم آغاز می‌کند. در ادامه، به اختصار شرایط زندگی مریم میرهادی را بیان و از مباحث مطرح شده در نشریه ندای زنان از قبیل: آگاهی‌رسانی پزشکی، فرهنگی، سیاسی و ... به زنان، سخن به میان می‌آورد. کلیدواژه: نشریه ندای زنان، نشریات زنان، مطبوعات زنان، دوره پهلوی، مریم میرهادی.

دوره پهلوی با انتشار هفتگی مطالب به کار خود ادامه داد. یادآوری این نکته ضرورت دارد که این دو مجله گذشته از چاپ چنین نوشته‌هایی، مقاله‌ها و مطالب قابل توجهی درباره قانون حمایت خانواده، مسئله طلاق، چند همسری و... منتشر می‌کردند. در مجموع ۳۷ نشریه زنان در دوره پهلوی دوم منتشر شد که با وجود عمر طولانی تر آنها نسبت به مطبوعات دوره قبل از خود، محتوای ضعیفی داشتند و جنبه سرگرمی و سوق دادن زنان به ظاهر آرایی در آنها آشکار بود.^۲

نگاهی مختصر به شرایط زندگی مریم میرهادی

مریم میرهادی از زنان فعال دوره پهلوی به شمار می‌رود. او در زمینه‌های گوناگون فعالیت داشت و روزنامه‌نگار، مؤلف، سخن‌سرا^۳ و پزشک بود. وی زاده شیراز^۴ در سال ۱۲۹۲ ش/۱۹۱۳ م و فرزند سیدعلی اکبر (رفعت‌نظام) امیرطومان^۵ و مادرش از فامیل بزرگ بشیرالملک شیرازی بود. میرهادی در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد. بدین ترتیب سرپرستی او را عمویش، سرهنگ سیدابوالقاسم میرهادی به عهده گرفت. میرهادی تحصیلات متوسطه را در تهران گذراند. او در سال ۱۳۱۰ ش/۱۹۳۱ م برای تحصیل در رشته زبان و ادبیات فرانسه به پاریس رهسپار و در دانشگاه سوربن به تحصیل مشغول شد. در ۱۳۱۳ ش/۱۹۳۴ م به مدرسه عالی طب وارد شد و در ۱۳۲۰ ش/۱۹۴۱ م رساله دکتری خود را درباره سفلیس دهان^۶ نوشت و با درجه عالی فارغ‌التحصیل شد. در واقع وی را نخستین زن دانش‌آموخته از دانشکده پزشکی دانشگاه تهران می‌دانند.^۷

میرهادی در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۰ ش/۱۹۴۱ م طبابت را در تهران و در ابتدای بازار تجریش آغاز کرد. از سال ۱۳۲۵ ش/۱۹۴۶ م نیز به خدمات فرهنگی و اجتماعی پرداخت. او که اشعاری به سبک کهن و کلاسیک می‌سرود، آثار نظم و نثر خویش را در روزنامه‌ها و مجله‌ها به چاپ رساند.

۲. برای آگاهی بیشتر رزک به: گلبن، محمد؛ گلزارخاموش: یادنامه بانوراضیه دانشیان (گلبن) به همراه مقالاتی درباره زنان؛ تهران: رسانه، ۱۳۷۹، ص ۳۸۸، ۴۰۸.

۳. مریم میرهادی در شعر خود زن را موجودی برتری می‌دید که از هر آنچه عقل تصور می‌کند فراتر است. او وجود زن را سراسرنیکی و بی‌زیان می‌دانست و زنان را به تلاش برای تغییر وضع موجود و کسب آزادی فرامی‌خواند. (میرهادی، مریم؛ دیوان ناهید؛ تهران: چاپخانه دولتی ایران، ۱۳۳۷، ص ۱۰۱) و در بعضی از اشعار دیگر زنان را به کسب حقوق خویش، پیش از گذشت وقت، فراخواند و بر برابری زن و مرد تأکید کرد. (منگنه، نورالهدی؛ ناقوس؛ تهران: کتابخانه ابن‌سینا، ۱۳۳۶، صص ۱۰۴ و ۱۰۵) و نیز برای آگاهی بیشتر رزک به: شاه حسینی (شادمانی)، مهری؛ زنان شاعر ایران؛ تهران: مدبر، ۱۳۷۴، صص ۹۱۴ و ۹۱۵.

۴. پوران فرخ‌زاد در کتاب‌های زن از کتیبه تا تاریخ و کارنامه زنان کارای ایران آورده است که مریم میرهادی در تهران به دنیا آمد، اما براساس اسناد و نوشته‌ها و زندگی‌نامه خود نوشت خانم میرهادی، او نه در تهران، بلکه در شیراز زاده شد.

۵. امیرطومان نوه دختری مرحوم حاجی سیدعلی مجدالاشرف وزیر ناصرالدین شاه از فامیل جلیل‌القدر میرهادی که از سادات نقرشی بودند.

۶. سفلیس یا سیفلیس (Syphilis) مرضی عفونی و ساری آمیزشی است که به طور مادرزادی نیز به افراد منتقل می‌شود. عامل این ناخوشی باسیلی است مارپیچی به نام تریپونما پالیدوم (Treponema pallidum).

۷. فرخ‌زاد، پوران؛ کارنامه زنان کارای ایران؛ تهران: قطره، ۱۳۸۱، ص ۸۲۷ و فرخ‌زاد، پوران؛ دانشنامه زنان فرهنگ ساز ایران و جهان؛ جلد دوم، تهران: ۱۳۷۸، انتشارات زریاب، ص ۱۸۲۶.

از ویژگی‌های نشریات زنان در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۸ ش/۱۹۴۱ تا ۱۹۴۹ م تأکید بر تخصصی و غیرسیاسی بودن این نشریات بود. نمایندگی‌های خارجی در ایران نیز گاهی نشریاتی مخصوص زنان چاپ می‌کردند که از آن جمله عالم زنان بود که در ۱۳۲۱ ش/۱۹۴۲ م اداره انتشارات و تبلیغات سفارت انگلیس به مدت یک سال، ماهانه منتشر می‌کرد و در آن به معرفی زندگی خانواده‌های انگلیسی و وضع زنان کارگر در انگلیس، نهضت زنان و مسائل متنوعی چون امور خانه‌داری و مد لباس می‌پرداخت. در این دوره احزاب هم برای انتقال افکار خود برخی از نشریات زنان را به خدمت گرفتند.

در سال‌های نهضت ملی شدن نفت و دوره نخست وزیری مصدق که مطبوعات آزادی فراوانی داشتند، سیزده عنوان جدید بر نشریات زنان افزوده شد از آن جمله مجله جهان زنان که نشریه‌ای حزبی و ترجمان سازمان زنان حزب توده بود و در ۱۳۳۰ ش/۱۹۵۱ م منتشر می‌شد و مجله زنان ایران در ۱۳۳۱ ش/۱۹۵۲ م که نشریه‌ای حزبی و ترجمان رسمی حزب فدائیان شاه بود.

برخی از نشریات زنان در دوره پهلوی دوم

در دهه ۱۳۳۰ ش/۱۹۵۱ م تنها نشریات زنانه‌ای اجازه چاپ داشتند که سخت‌تر رفتار دستگاه حاکم بودند و اغلب شاه و فرح را ستایش می‌کردند. در دهه ۱۳۴۰ ش/۱۹۶۱ م زنان فعالیت‌های مطبوعاتی خود را پی گرفتند. آنان چندین نشریه، ویژه بانوان منتشر کردند. علاوه بر این در سایر روزنامه‌ها و مجله‌ها نیز قلم می‌زدند. از جمله نشریات زنان در این دوره اطلاعات بانوان، بهداشت و زندگی، ندای زنان، پست ایران و زن روز بود که مدیریت آنها را به ترتیب قدسی مسعودی، هورآسا شکوه، مریم میرهادی، اعظم سپهرخادم و فروغ مصباح‌زاده به عهده داشتند.^۱ نشریه صبح امروز نیز در قالب اجتماعی به وسیله عفت عمیدی نوری و همسرش مصطفی الموتی انتشار می‌یافت.

در میان این نشریات مخصوص زنان در دهه مورد نظر، اطلاعات بانوان وزن روز پرآوازه‌تر بودند. اطلاعات بانوان وابسته به مؤسسه اطلاعات بود و از سال ۱۳۳۶ ش/۱۹۵۷ م به صورت هفتگی منتشر می‌شد. گفته می‌شد این مجله با ایجاد کلاس روزنامه‌نگاری برای زنان در آموزش این حرفه به آنان سهم زیادی داشت. با این وجود عملکرد دست‌اندرکاران، به ویژه سردبیران، پروین اباضلی مورد انتقاد بود؛ چرا که آنها با چاپ داستان‌های بی‌پروا و زننده‌ای درباره مسائل جنسی سعی می‌کردند تیراژ مجله را بالا ببرند. این اقدام در رقابت با مجله زن روز صورت می‌گرفت. مجله یادشده که از انتشارات روزنامه کیهان بود، فعالیت خود را از واپسین روزهای سال ۱۳۴۳ ش/۱۹۶۵ م آغاز کرد و تا پایان

۱. سعیدی، نیره؛ «نیم قرن روزنامه‌نگاری زنان ایران»؛ روزنامه کیهان، شماره ۲۶، ۷۹۹۸، اسفند ۱۳۴۸، ص ۵.



از ویژگی‌های نشریات زنان در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۸ ش/ ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۹ م تأکید بر تخصصی و غیر سیاسی بودن این نشریات بود. نمایندگی‌های خارجی در ایران نیز گاهی نشریاتی مخصوص زنان چاپ می‌کردند که از آن جمله عالم‌زنان بود که در ۱۳۳۱ ش/ ۱۹۴۲ م اداره انتشارات و تبلیغات سفارت انگلیس به مدت یک سال، ماهانه منتشر می‌کرد.

صفحه در روزهای دوشنبه هر هفته منتشر می‌شد. گفتنی است به غیر از اولین شماره آن که در روز سه‌شنبه منتشر شد، دیگر شماره‌های این روزنامه روزهای دوشنبه در دسترس مخاطبان خود قرار می‌گرفت. قیمت تک شماره آن ۲ ریال و اشتراک یک ساله ۱۲۰ و شش ماهه ۷۰ ریال بود.^{۱۳} این نشریه تا شماره سی و دوم (اول شهریور ۱۳۲۷ ش/ ۲۲ اوت ۱۹۴۸ م) بدون وقفه انتشار یافت و سپس تعطیل شد. در سرلوحه این روزنامه، نام آن و در بالای آن، حدیثی نبوی آمده است: «بهشت زیر پای مادران است». شعار ندای زنان که در سرلوحه همه شماره‌ها تکرار می‌شد چنین بود: «هدف ما دفاع از حقوق زنان است».

میرهادی پس از تعطیلی روزنامه، مجله ندای زنان را در سال ۱۳۲۹ ش/ ۱۹۵۰ م انتشار داد. این مجله ادبی، اجتماعی و ویژه زنان بود و در تهران به صورت ماهانه تا سال ۱۳۴۲ ش/ ۱۹۶۳ م انتشار می‌یافت. صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن مریم میرهادی بود.^{۱۴}

مباحث مطرح شده در روزنامه ندای زنان

ندای زنان می‌کوشید از حقوق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی زنان دفاع کند؛ چنان‌که در این نشریه مقالاتی در مخالفت با پندارهای خرافی و سنت‌گرایانه درباره زنان موجود بود.^{۱۵} افزون بر این پرسش‌هایی در زمینه حقوق زنان مطرح می‌کرد تا خوانندگان را به فکروادار و آنان را تشویق کند نظرات خود را در این باره بیان کنند. برای نمونه پرسش یکی از مسابقات آن این‌گونه بود: «چرا زنان [در] کلیه حقوق اجتماعی با مردان برابرند؟»^{۱۶} هدف در بسیاری از مقالات در نشریه ندای زنان دفاع از حقوق زنان بود.

وی همچنین از خود دو دیوان شعر به جا گذاشت که تخلص‌اش در بیشتر این شعرها ناهید بود. او همچنین انجمن ادبی ناهید را تأسیس کرد که هر هفته با حضور شاعران و گویندگان در منزلش برگزار می‌شد. وی اخبار انجمن ادبی ناهید را هم در نشریه^{۱۷} خود آورده است. او پس از چندی امتیاز روزنامه ندای زنان را گرفت و آن را منتشر کرد.

وی به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، عربی و ترکی تسلط داشت. در ۱۳۳۱ ش/ ۱۹۵۲ م میرهادی از سوی سندیکای دندان پزشکی ایران در یازدهمین کنگره جهانی دندان پزشکان در لندن شرکت کرد. در سال ۱۳۳۴ ش/ ۱۹۵۵ م از طرف وزارت فرهنگ به مدت دو سال در دانشگاه پاریس و در رشته بیماری‌های دهان و دندان در حوزه تخصصی کودکان نیز تحصیل نمود. وی توانست در رشته بیماری‌های دهان و دندان از آن دانشگاه و نیز در رشته بیماری‌های دهان کودکان از دانشگاه لندن تخصص بگیرد. سپس انجمن سلطنتی بهداشت لندن او را به عضویت پذیرفت. سرانجام وی در ۲۸ اسفند ۱۳۵۹ ش/ ۱۸ مارس ۱۹۸۰ م دارفانی را وداع گفت و در بهشت زهرا آرامید.^{۱۸}

مریم میرهادی چندین کتاب از جمله کتاب‌هایی در زمینه تخصص خود، یعنی پزشکی نگاشت. از آثار پزشکی وی به این کتاب‌ها می‌توان اشاره کرد: سیفلیس دهان، سرطان فک، آماس دندان یا التهاب لثه؛ همچنین کتاب‌های تاریخی و ادبی مانند تاریخ نویسندگان پارس،^{۱۹} خاطرات لندن (مشاهدات ناهید)، زندگانی زن^{۲۰} نیز دیوان ناهید.

معرفی نشریه ندای زنان

نشریه هفتگی ندای زنان، از نشریات ویژه زنان، با روش سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ادبی، هنری، علمی، بهداشتی و پزشکی بود. امتیاز این روزنامه از طرف وزارت فرهنگ در تاریخ ۱۳۲۶/۵/۱۰ ش به صاحب امتیازی و مدیریت دکتر مریم میرهادی صادر شد^{۲۱} و اولین شماره آن در سه‌شنبه ۲۱ مهر ۱۳۲۶ ش/ ۱۴ اکتبر ۱۹۴۷ م منتشر شد. این روزنامه با ابعاد ۴۸ در ۳۴ سانتی‌متر و به شکل مصور و در چهار

۸. مجله ندای زنان، سال ۱۴، شماره ۳۶، ص ۱۶.

۹. برای آگاهی بیشتر تک به: میرهادی، مریم؛ دیوان ناهید؛ صص ۱۶۷ و ۱۷۴.

۱۰. میرهادی در کتاب دو جلدی تاریخ نویسندگان پارس، شاعران و نویسندگان و دانشمندان سرزمین ادب پرور شهر شیراز را با نقل بعضی از اشعار و نوشته‌های آنان معرفی می‌نماید. گویا می‌خواهد دین خود را به عنوان یک شیرازی به ادیبان و دانشمندان شیراز ادا کند. فصل اول این کتاب مختصری است از تاریخچه شیراز و آثار تاریخی این شهر و سپس در فصل دوم سرگذشت نویسندگان معاصر و در فصل سوم زندگی‌نامه نویسندگان، دانشمندان، عارفان، شاعران و فیلسوفان گذشته پارس را آورد. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: میرهادی، مریم؛ تاریخ نویسندگان پارس؛ تهران: تابان، ۱۳۳۹.

۱۱. مقدمه کتاب زندگانی زن را صادق رضازاده شفق نوشت. در این کتاب مریم میرهادی زندگی زنان را به چهار دوره تقسیم کرده است: کودکی، بلوغ و جوانی، میان‌سالی و پیری. وی برای هر یک از این دوران شرحی نیز ارائه داده که جالب و خواندنی است. همچنین این کتاب به سرگذشت زنان بزرگ اروپایی و نیز طرز تفکر زنان اروپایی پیش از ازدواج توجه دارد. برای آگاهی بیشتر تک به: میرهادی، مریم؛ زندگانی زن؛ تهران: تابان، ۱۳۳۴.

۱۲. روستایی، محسن و سلامی، غلامرضا؛ اسناد مطبوعات ایران؛ جلد چهارم، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶، ص ۹۹.

۱۳. رک به: بیران، صدیقه؛ نشریات ویژه زنان؛ سیرتاریخی نشریات زنان در ایران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۱، صص ۱۰۹ و ۱۱۲.

۱۴. برای آگاهی بیشتر تک به: صدری طباطبایی نائینی، محمد؛ راهنمای مطبوعات ایران (۱۳۵۷-۱۳۰۴)؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۶۹۶؛ برزین، مسعود؛ شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی، تهران: بهجت، ۱۳۷۱، صص ۴۰۱ و ابوترابی‌ان، حسین؛ مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۶ شمسی، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۶، صص ۱۵۴ - ۱۵۵.

۱۵. دایرةالمعارف زن ایرانی؛ به سرپرستی: مصطفی اجتهادی؛ جلد دوم، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، ۱۳۸۲، ص ۸۹۱.

۱۶. روزنامه ندای زنان، سال ۱۴، شماره ۱، سه‌شنبه ۲۱ مهر ۱۳۲۶، ۱۴ اکتبر ۱۹۴۷، ص ۳.

و گردن و دهان و دندان از اعضای رئیسه بدن محسوب می‌شوند؛ یعنی می‌توان آن را در حکم مرکز فرماندهی عالی ارتش کشور دانست، پس برای به دست آوردن بهداشت عمومی باید بهداشت دهان را پیوسته در سنگر مقدم قرار داد تا صحت و سلامت انسان را تأمین نماید.^{۲۴}

توجه به امر بهداشت و سلامت یکی از ویژگی‌های مدرنیته یا نوگرایی بود که در این زمان به آن توجه می‌شد. روزنامه ندای زنان مسائل بهداشتی دیگر مناطق جهان را نیز بازتاب می‌داد؛ چنان‌که خبری از شیوع «مرض حصبه میان پناهندگان عرب فلسطینی» نوشت.^{۲۵}

در این روزنامه مقالاتی از پزشکان دیگر نیز به چشم می‌خورد. همچنین مقالاتی از دکتر محمود شروین که پزشک رسمی وزارت فرهنگ و مدیر روزنامه مهر میهن است، در برخی از شماره‌های روزنامه آمده است. در شماره هفتم روزنامه ندای زنان، مقاله‌ای راجع به «نقش زن در بهداشت»^{۲۶} نوشته است. وی معتقد است همان‌طور که زمین برای پرورش دانه نیازمند به املاح و مواد ضروری است و باید از حشرات موزی و کرم‌خاکی پاکیزه باشد، مادر و پدر هم از همان زمان انعقاد نطفه، مسئولیت سلامت جنین را به عهده دارند تا مانند باغبانی مهربان در پرورش و شکوفایی دانه وجود فرزند خویش دقت نمایند.

از دکتر محمود نجم‌آبادی مقاله‌ای با عنوان «سوگندنامه طبیبی بقراط یا قسم‌نامه بقراطی»^{۲۷} در مجله ندای زنان آمده است. وی سوگندنامه‌ای که علی‌بن عباس اهوازی ارجانی، پزشک حاذق ایرانی به عربی نگاشته، به فارسی برگردانده است.^{۲۸} همچنین در این مقاله به خصوصیات طبیب نیز اشاره می‌کند که طبیب نباید داروهای خطرناک به بیمار دهد، حتی در مورد آن با بیمار صحبت نیز نکند و داروی سقط‌کننده جنین هم به بیمار ندهد. طبیب باید رازدار باشد و باید بنا به آن چه بقراط حکیم می‌گوید رفتار نماید: «طبیب باید رحیم و پاک چشم و مهربان و خیررسان و خوش‌زبان باشد و در درمان بیماران به خصوص مسکینان و فقرا به جد کوشد. در فکر سود نباشد، بلکه اگر ممکن شود دارو را از کیسه خود به آنان بدهد و اگر این کار ممکن نگردد، به درمان آنان پرداخته، شب و روز به بالین‌شان حاضر شود، به‌ویژه اگر بیماری آن‌ها حاد و تند باشد، چرا که بیماری‌های حاد زود تغییر و دگرگونی پیدا می‌کنند».^{۲۹} پزشکان باید از خوردن شراب پرهیز کنند؛ چون خوردن شراب ذهن را فاسد می‌کند. همیشه باید در حال خواندن کتاب‌های طبی باشند. باید مطالب پزشکی را در جوانی یاد بگیرند؛ چون نگهداری و حفظ آن در پیری سخت‌تر است. کسی که

در بیشتر شماره‌ها در همان صفحه نخست مقاله‌ای از دکتر مریم میرهادی به چشم می‌خورد. در این روزنامه مقالات و اشعاری از بانوان دیگر هم به چاپ می‌رسید. از جمله: فخر عادل خلعتبری،^{۱۷} آذر خواجوی، فخرالزمان قدوه، پروین دولت‌آبادی،^{۱۸} پریوش سرخوش و مریم ساوجی.^{۱۹} بیش از همه مریم ساوجی^{۲۰} با این روزنامه همکاری می‌کرد.

در ادامه برآنیم که برخی از مباحث نشریه ندای زنان را بررسی کنیم.

آگاهی‌رسانی پزشکی

مقاله‌های بهداشتی این نشریه را معمولاً مریم میرهادی خود می‌نوشت. این مقالات درباره بهداشت دهان و دندان بود.^{۲۱} او در تألیفات پزشکی‌اش به سلامت جسم و روح مردم توجه می‌کرد. میرهادی کتاب سفلیس دهان را نوشت و درباره روش‌های سرایت سفلیس از راه دهان در کودکان و بزرگسالان و همچنین راه‌های پیشگیری از این بیماری را توضیح داد. میرهادی تقریباً در همه شماره‌های نشریه خود قسمت‌هایی از این کتاب را آورده و درباره سرایت سفلیس و بهداشت دهان و دندان و مراحل گوناگون سفلیس و طرز پیشرفت آن در انسان اطلاعات ارزشمندی در زمینه‌های بهداشتی و انتقال پیشگیری این بیماری داده و نکات لازم را به خوانندگان ارائه داده است. بخش مهمی از مطالب مجله ندای زنان به موضوعات بهداشتی و پزشکی اختصاص داشت. میرهادی که عضو کنگره بهداشت انگلستان بود، مقاله‌ای با عنوان «سرایت سفلیس از راه دهان»^{۲۲} نوشته است.

از دکتر میرهادی همچنین مقاله‌ای درباره «بهداشت دهان» آمده است. وی معتقد است: «جهان امروز می‌داند که یکی از عوامل پیشرفت هر جامعه‌ای سلامت آن جامعه است. بدن انسان هم همیشه در معرض خطر بوده است. سپس جمله‌ای از ویکتور هوگو نقل می‌کند: «بنابراین احتیاج مردم انسان به رفع درد و الم موجب شد که بهداشت را یکی از بزرگ‌ترین عوامل حیات و مسلم‌ترین وظایف زیستن بدانند».^{۲۳} و سپس افزود: «سر

۱۷. فخرعظمی ارغون (فخری عادل خلعتبری) (۱۲۷۷ تا ۱۳۴۵ ش)، روزنامه نگار و شاعر و مادر سیمین بهبهانی بود.

۱۸. روزنامه ندای زنان، سال ۱، شماره ۲۱، ۲۴ اسفند ۱۳۲۶، ۱۵ مارس ۱۹۴۸، ص ۴.

۱۹. برای آگاهی بیشتر رک به: روزنامه ندای زنان؛ ساوجی، مریم؛ «زن در جهان پس از جنگ»؛ سال ۱، شماره ۱۶، ۱۹ بهمن ۱۳۲۶، ۹ فوریه ۱۹۴۸، صص ۱ و ۴. ساوجی، مریم؛ «درباره بانوان ایران»؛ سال ۱، شماره ۲، دوشنبه ۲۷ مهر ۱۳۲۶، ۲۰ اکتبر ۱۹۴۷، ص ۴.

۲۰. مریم ساوجی، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود در تهران به پایان رسانید و موفق به اخذ لیسانس در رشته حقوق و ادبیات شد. سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس در دبیرستان‌ها مشغول شد. وی از حدود ۱۳۲۵ ش/ ۱۹۴۶ م فعالیت ادبی و فرهنگی خود را شروع کرد. او مدرسه‌ای تأسیس نمود و خود عهده‌دار امور آن گردید. وی عضو هیئت رئیسه اتحادیه زنان حقوقدان شد. از آثار وی می‌توان به اختلاف حقوق زن و مرد در اسلام و ایران، دخترراه، فرشته و همچنین سه مجموعه شعر به نام‌های دیوان مریم، گلبرگ، پنجه با خورشید اشاره کرد.

۲۱. برای آگاهی بیشتر رک به: روزنامه ندای زنان، سال ۱، شماره ۲۷، ۲۷ مهر ۱۳۲۶، ۲۰ اکتبر ۱۹۴۷، صص ۱ و ۲ و سال ۱، شماره ۲۱، ۲۱ مهر ۱۳۲۶، ۱۴ اکتبر ۱۹۴۷، ص ۴ و سال ۱، شماره ۳، ۴ آبان ۱۳۲۶، ۲۷ اکتبر ۱۹۴۷، صص ۱ و ۴.

۲۲. مجله ندای زنان، شماره ۳۴، سال ۱۴، ص ۳۹.

۲۳. همان، شماره ۳۶، سال ۱۴، ص ۱۵.

۲۴. همان، شماره ۳۶، سال ۱۴، ص ۱۵-۱۶.

۲۵. روزنامه ندای زنان، سال ۱، شماره ۳۱، ۱۸ مرداد ۱۳۲۷، ۹ اوت ۱۹۴۸، ص ۱.

۲۶. همان، سال ۱، شماره ۷، دوشنبه ۱۶ آذر ۱۳۲۶، ۸ دسامبر ۱۹۴۷، ص ۱.

۲۷. مجله ندای زنان، شماره ۳۶، سال ۱۴، ص ۶.

۲۸. همان، شماره ۳۶، سال ۱۴، ص ۱۳.

۲۹. همان، صص ۱۳ و ۱۴.

بهشت زیر پای مادران است
حدیث نبوی

نگاهی به نشریه ندای زنان

هدف و فواید از حقوق زنان است

است و به سرعت قابل سرایت است. «این بیماری بسیاری از طبقه فعال، یعنی جوانان ما را اعم از مرد یا زن گرفتار ساخته و عملاً قوای جسمی و روحی آنان را فلج نموده و اگر به موقع درصدد پیشگیری آن برنیاییم، ممکن است زیان اجتماعی و اقتصادی آن به مراتب از یک جنگ یا اپیدمی بیماری واگیرداری چون طاعون افزون تر باشد.»^{۳۶}

آگاهی‌رسانی به بانوان

در این نشریه مطالب بر اساس مقتضیات جامعه آن روز ایران، همین‌طور، دیگر مقتضیات طبیعی انسان نوشته می‌شد. برای مثال این نشریه هیچ‌گاه ازدواج، تشکیل خانواده و مادرشدن را نفی نکرد، بلکه برای هر چه بهترشدن زندگی زناشویی مقالاتی را چاپ نمود. همان‌طور که در سرلوحه این روزنامه عبارت «بهشت زیرپای مادران است» را مشاهده می‌کنیم. در این روزنامه درباره روش تربیت کودک، طرز تعلیم و تربیت اطفال، همچنین رژیم منظمی که در مورد رشد و نمو فکری و جسمی کودکان باید اجرا نمود، مباحثی را شرح می‌دهد. مقالاتی هم درباره روش تربیت کودک در بعضی از شماره‌های این روزنامه به قلم اکبر فرزانه که داروساز بوده آورده شده است.^{۳۷}

حسین غفار، دانشیار رشته ادبیات نیز در این روزنامه مقالاتی دارد.^{۳۸} از جمله مقاله «زن چه وظیفه‌ای را برعهده دارد؟»^{۳۹} که اشاره به این دارد که یک زن علاوه بر تحصیل، باید فرزندان خوبی هم تربیت نماید و به جامعه تحویل بدهد و تربیت کودکان را از وظیفه مهم مادران می‌داند. مطالعه این‌گونه مقالات در آن دوره نشان می‌دهد مردانی که برای

طالب یادگرفتن علم پزشکی است، باید همیشه در بیمارستان‌ها و محل بیماران در خدمت پزشکان حاذق باشد تا در آینده پزشک خوبی شود. بنابراین کسی که بخواهد پزشک شود، اگر این دستورها را رعایت نماید و به صفات اخلاقی ذکر شده عمل کند، درمان او در بیمارستان مؤثر خواهد گشت و در میان مردم اعتبار پیدا می‌کند.

دکتر رحمت‌الله سمیعی در مقاله‌ای با عنوان «آیا ریزش موی سر علاج‌پذیر است؟»^{۴۰} می‌نویسد: «ریزش موی سرعت‌های زیادی دارد. برای درمان ریزش موی ابتدا باید دلیل آن را فهمید که آن هم توسط پزشکان با معاینه دقیق انجام می‌گیرد. بعضی از بیماری‌های جسمی و ترشحات غدد و رژیم‌های غذایی باعث ریزش موی می‌شود. اخیراً فرانسویان با تجویز هورمون‌های مختلف توانستند جلوی ریزش موی را بگیرند و موهای ضعیف را تقویت کنند. ریزش موی روزانه بین ۳۰ الی ۴۰ عدد طبیعی است. برای بیشترشدن موی پزشکان باید علت آن را بررسی کنند و باید توجه داشت که یک دارو برای همه مناسب نیست. ریزش موی هم باید به عنوان یک بیماری تلقی کرد و تا سهل‌العلاج است با آن مبارزه نمود.»^{۴۱}

دکتر مرتضی بدیعی که در آن زمان متخصص بیهوشی بیمارستان نمازی شیراز بود، مقاله‌ای درباره «روش جدید تنفس مصنوعی از راه دهان به دهان»^{۴۲} نوشته است و در این مقاله به این اشاره می‌کند که تنفس مصنوعی تا سال‌های اخیر مورد توجه واقع نبود، برای همین صلیب سرخ آمریکا از مراکز علمی آمریکا خواست تا این مسئله را مورد بررسی قرار دهند. «نتیجه تجسسات و آزمایشات مختلف، منتج به روش جدید تنفس مصنوعی از راه دهان به دهان گردید»^{۴۳} و سپس افزود تنفس مصنوعی در اطفال شامل پنج مرحله است^{۴۴} و این مراحل را برای خوانندگان شرح داد.

دکتر ابوتراب نفیسی در مقاله‌ای تحت عنوان «ضعف اعصاب یا ارمغان تمدن جدید»^{۴۵} که به نقل از مجله پزشکی و جراحی ایران در مجله ندای زنان آورده است، به این اشاره می‌کند که در طول زندگی، اغلب زنان به خاطر ضعف اعصاب به پزشک مراجعه می‌کنند. ۱۵ تا ۲۰ درصد افراد بزرگسال، طبقه جوان، دانشجویان، کارگران حتی دختران ۱۳ تا ۱۴ سال. در واقع اکثر طبقه فعال جامعه خود را بیمار عصبی می‌دانند. این بیماری نوعی مدپرستی است و یکی دیگر از علت شیوع آن این است که پزشکان بیمارستان را به دقت معاینه نمی‌کنند و زمانی که از مرض بیمارستان‌سردر نمی‌آورند می‌گویند: عصبی است، ولی این بیماری یک نوع عارضه روانی

۳۶. همان، صص ۴۲ و ۴۳ و نیز برای آگاهی بیشتر: به: مجله ندای زنان، شماره ۳۴، سال ۱۴، صص ۴۲ - ۴۶.

۳۷. برای آگاهی بیشتر: به: روزنامه ندای زنان، سال ۱، شماره ۱۴، ۵ بهمن ۱۳۲۶، ۲۶ ژانویه ۱۹۴۸، صص ۱ و ۲؛ سال ۱، شماره ۱۳، ۲۸ دی ۱۳۲۶، ۱۹ ژانویه ۱۹۴۸، صص ۱ - ۲.

۳۸. برای آگاهی بیشتر: به: روزنامه ندای زنان: غفار، حسین؛ «طرز لباس»؛ سال ۱، شماره ۳، ۴ آبان ۱۳۲۶، ۲۷ اکتبر ۱۹۴۷، صص ۴ و غفار، حسین؛ «سعادت مملکت»؛ سال ۱، شماره ۴، ۱۱ آبان ۱۳۲۶، ۳ نوامبر ۱۹۴۷، صص ۱ و ۲.

۳۹. روزنامه ندای زنان، سال ۱، شماره ۲۳، ۱۶ فروردین ۱۳۲۷، ۶ آوریل ۱۹۴۸، صص ۱ و ۴.

۳۰. همان، شماره ۳۶، سال ۱۴، صص ۱۷.

۳۱. همان، صص ۱۷.

۳۲. همان، شماره ۳۶، سال ۱۴، صص ۲۴.

۳۳. همان، صص ۲۴.

۳۴. همان، شماره ۳۶، سال ۱۴، صص ۲۷-۲۸.

۳۵. همان، شماره ۳۴، سال ۱۴، صص ۴۲.

مثال مطالبی با عناوین «فهرمان تربیت اطفال»^{۴۶} «خدمت زنان در کارهای سخن پراکنی»^{۴۷} «زنان پلیس کارهای برجسته‌ای انجام می‌دهند»^{۴۸} یا «زنی که ۲۶ مرتبه دوقلو زاییده است»^{۴۹} به نظر می‌رسد که صاحبان نشریه مطالب جالب توجهی را از مجلات خارجی انتخاب می‌کردند، سپس ترجمه آن مقاله را در روزنامه برای مخاطبان خود می‌آوردند. همچنین مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «لباس خانم‌ها هم تابع تاریخ، سیاست و اقتصاد است»، ترجمه‌ای است از مجله خارجی که به این موضوع اشاره می‌کند که لباس زنان، معرف وضع سیاسی و اقتصادی آنان است و در دوره‌های مختلف لباس بانوان تغییر کرده است. برای نمونه: «در دوره انقلاب فرانسه و بعد از جنگ‌های ناپلئون، پیراهن‌های پرز و زیور و دامن‌های تنگ به کلی از مد افتاد و باعث شد که خانم‌ها طرز لباس مردها را تقلید نمایند»^{۵۰}.

همچنین در این روزنامه درباره شخصیت‌های مهم مقالاتی نگاشته می‌شد. برای مثال مقاله‌ای درباره مادام کوری^{۵۱} مخترع رادیوم. همچنین در تاریخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۲۷ مقاله‌ای با عنوان «خطبه حضرت زینب در مجلس یزید در شام»^{۵۲} آمده که نشان‌دهنده این است که در این روزنامه به مسائل دینی و عقیدتی هم پرداخته شده است. مریم میرهادی مقاله‌ای با عنوان «ما پیرو سیاست حسین بن علی^(ع) هستیم» در روزنامه ندای زنان دارد و خطبه‌های حضرت علی^(ع) در نهج البلاغه نیز در این روزنامه ذکر شده است.^{۵۳}

میرهادی مطالبی درباره مقام زن در جامعه نوشته است. او به مقام زن در جامعه اشاره می‌کند: «زن عهده‌دار بقاء نسل و تشکیل خانواده است. زن است که می‌تواند مفیدترین فرزندان را تحویل جامعه نماید». و سپس به این مورد اشاره می‌کند که زن در یونان و روم و چین و... حق حیات و زندگی نداشته، ولی دین اسلام برای زنان حقوق بزرگی قائل شده است و معتقد است این حقوقی که در اسلام برای زن در نظر گرفته شده، در هیچ یک از ادیان عالم نظیر ندارد.^{۵۴}

درباره حجاب مقاله‌ای از میرهادی در شماره سوم روزنامه ندای زنان آمده است. او حجاب زن را عفت و پاکدامنی می‌داند و معتقد است: «آزادی و استقلال ما تا حدی باشد که با احکام شرع مقدس اسلام و دستورات رسول اکرم مغایرت نداشته باشد» و زنان عالم با حفظ مراتب

نشریات زنان مقالاتی می‌نوشتند، بسیار از حقوق زن و احترام به آنان آگاه بودند.

وی مقاله‌ای دیگر درباره «طرز لباس» دارد که معتقد است: در تربیت بانوان سه موضوع لباس، رفتار و گفتار از اهمیت بسیاری برخوردار است و در ادامه می‌افزاید: خانواده‌های تربیت شده، نظم و تربیت را مقدم می‌دانند و به آن اهمیت می‌دهند. «دختران را از کودکی باید برای آداب معاشرت آماده نمود. آنان را از کودکی با زیبایی‌های مصنوعی و تجملی آشنا نکنید؛ زیرا هر عملی که بزرگ‌تر انجام می‌دهد او مانند عکاس عمل وی را مدنظر می‌گذارد»^{۴۰}.

او مقاله‌ای دیگر درباره «سعادت مملکت» دارد که معتقد است: این سعادت به دست جوانان دانشمند و باتدبیر به دست می‌آید و در ادامه می‌نویسد «سیر ترقی و تکامل ضامن بقاء و دوام اقوام ملل است» و ریشه عواملی که باعث پیشرفت شهرنشینی می‌شود، از دانش و تلاش می‌باشد.^{۴۱}

در این نشریه مقالاتی هم از شهرهای دیگر از جمله شیراز دریافت و به چاپ می‌رسیده است. برای نمونه مقاله‌ای از بانو قدسیه سعیدی نژاد از شیراز درباره خانه‌داری که معتقد است: «امروزه خانه‌داری یکی از وظایف مقدس بانوان است، همچنین بانوی خانه‌دار باعث انتظام داخلی خانواده شده و طرز بهداشت و حفظ الصحه را در خانه رعایت می‌کند و در نظم امور جامعه کوشش زیاد به عمل می‌آورد»^{۴۲}.

در مقاله‌ای از خانم فلیدر لاول،^{۴۳} روزنامه‌نگار انگلیسی تحت عنوان «حمایت از زنان باردار» به این مسئله اشاره شده که در سرتاسر انگلستان چهار هزار کلینیک حمایت از نوزاد وجود دارد. وی ضمن شرح داستانی در آخر نتیجه می‌گیرد که تربیت نسل آینده، یکی از نعمت‌ها و موجب آسایش است.^{۴۴}

در این روزنامه موضوعات مختلفی در زمینه‌های روانشناسی هم به چشم می‌خورد. از جمله این مقالات مطلبی است با عنوان «خانم چرا افسرده‌اید؟»^{۴۵} که در آن راه‌های پیشگیری از افسردگی را به بانوان آموزش می‌دهد و توصیه می‌کند که غصه نخورند. همچنین پیاده‌روی و ورزش را به آنها پیشنهاد می‌کند و به این مسئله اشاره می‌نماید که بدون دلیل بخندید و شاد باشید.

برخی از مطالب این روزنامه ترجمه از مجله‌های خارجی است. برای

۴۶. سال ۱، شماره ۱۴، بهمن ۱۳۲۶، ۲۶ ژانویه ۱۹۴۸، صص ۱ و ۴.

۴۷. سال ۱، شماره ۱۰، ۱۹ اسفند ۱۳۲۶، ۱۰ مارس ۱۹۴۸، صص ۱ و ۴.

۴۸. سال ۱، شماره ۲۰، ۱۷ اسفند ۱۳۲۶، ۸ مارس ۱۹۴۸، صص ۱ و ۲.

۴۹. سال ۱، شماره ۱۲، ۱۵ بهمن ۱۳۲۶، ۲ فوریه ۱۹۴۸، صص ۱ و ۲.

۵۰. سال ۱، شماره ۱۹، ۱۰ اسفند ۱۳۲۶، ۱۰ مارس ۱۹۴۸، صص ۱ و ۴.

۵۱. سال ۱، شماره ۴۳، ۴۳ آبان ۱۳۲۶، ۲۷ اکتبر ۱۹۴۷، صص ۱ و ۴.

۵۲. سال ۱، شماره ۲۷، ۲۷ مهر ۱۳۲۶، ۲۰ اکتبر ۱۹۴۷، صص ۱ و ۲.

۵۳. سال ۱، شماره ۳۰، ۳۰ مرداد ۱۳۲۶، ۲۶ ژوئیه ۱۹۴۸، صص ۱ و ۲.

۵۴. سال ۱، شماره ۲، ۲ مهر ۱۳۲۶، ۲۰ اکتبر ۱۹۴۷، صص ۱ و ۲.

۴۰. سال ۱، شماره ۳، ۴ آبان ۱۳۲۶، ۲۷ اکتبر ۱۹۴۷، صص ۱ و ۴.

۴۱. سال ۱، شماره ۴، ۱۱ آبان ۱۳۲۶، ۳ نوامبر ۱۹۴۷، صص ۱-۲.

۴۲. سال ۱، شماره ۳۰، ۳۰ مرداد ۱۳۲۶، ۲۶ ژوئیه ۱۹۴۸، صص ۱ و ۳.

43. Mrs. Filder lovel.

۴۴. سال ۱، شماره ۲۴، ۲۳ فروردین ۱۳۲۷، ۱۲ آوریل ۱۹۴۸، صص ۱ و ۴.

۴۵. سال ۱، شماره ۲۴، ۲۳ فروردین ۱۳۲۷، ۱۲ آوریل ۱۹۴۸، صص ۱-۲.

احتیاج به شناخت وظیفه و شخصیت خود دارد و در جامعه ما از کودکی باید به شخصیت دختر اهمیت داد.^{۶۵} وی در سخنرانی دیگر خود^{۶۶} گفت: «مرد شیراست و زن شیربان، نگهداری شیراز شیر بودن دشوارتر است. به همین واسطه است که نقش عمده و خطیر زنان را مردان نمی‌توانند انجام بدهند». سپس جمله‌ای از ناپلئون نقل می‌کند: «من همه پیروزی‌هایم را مرهون مادرم می‌دانم، به راستی که مادر دانا و توانا پرورد فرزند را».^{۶۷}

آگاهی‌های سیاسی

ندای زنان در کنار بحث‌ها و آگاهی‌های خانوادگی، از اطلاعات سیاسی داخلی و خارجی نیز فروگذار نکرد. روزنامه ندای زنان به اخبار سیاسی ایران و جهان هم توجه داشت. برای مثال درباره تحولات فلسطین راه‌حلی ارائه داد و از آنها حمایت کرد.^{۶۸} همچنین وی در روزنامه خود از دولت حکیمی طرفداری می‌نماید و می‌گوید: ما طرفدار عدالت اجتماعی هستیم. حکیمی دزدی و حیف و میل نکرد. همچنین معتقد است که نمایندگان باید برای ملت کار کنند. او حتی مقالاتی از نخست‌وزیر وقت، ابراهیم حکیمی در این روزنامه به چشم می‌خورد.^{۶۹} میرهادی در مقاله‌ای با عنوان «اگر این مجلس است که نمی‌گذارد هر دولتی بر سر کار آید، به درد ملت بدبخت برسد!»^{۷۰} با اشاره به خدمات نمایندگان دوره پانزدهم مجلس و لیاقت و کاردانی حکیمی، معتقد است که «ما نمی‌خواهیم از دولت وی طرفداری نماییم بلکه ما طرفدار عدالت اجتماعی هستیم ما از دولتی که بدی ندیدیم، حمایت می‌کنیم». سپس نمایندگان را مخاطب خود قرار می‌دهد و می‌گوید: «نه خودتان کار می‌کنید و نه می‌گذارید دولت کار کند. شما باید از پشت این تریبون، نماینده ملت ایران باشید، بگذارید دولت وظایف خود را انجام دهد و شما هم به وظیفه خود عمل نمائید».^{۷۱}

روی سخن مریم میرهادی در برخی از شماره‌های این روزنامه به حکیمی است که می‌گوید: «دقیقاً مطالعه فرمائید و نگذارید زنان بی‌گناه کشور، وسایل دسایس این و آن گردند». او به این مسئله اشاره می‌کند که «ما از شما انتظار داریم وضعیت اسف‌انگیز نصف پیکر جامعه ایران را که زنان تشکیل می‌دهند، نیز جزو برنامه اصلاحی خویش قرار دهید».^{۷۲}

او در برخی از شماره‌های روزنامه به مسائل سیاسی به خصوص ایران و

پاکدامنی و عفت، مستحق هرگونه آزادی و پیشرفت هستند.^{۵۵}

در این روزنامه میرهادی درباره قتل محمد مسعود مدیر روزنامه مرد امروز^{۵۶} مطلبی را نوشته است. وی سخنی را از محمد مسعود بیان می‌کند که آن مرد مبارز راه آزادی می‌گفت: «باید عدالت اجتماعی برقرار باشد، باید حق خود را بگیرد» و سپس می‌افزاید آیا هر کس حق گفت و نوشت این سزای اوست؟ و معتقد بود که آن نویسنده باشهامت در میدان مبارزه با نهایت افتخار جان خود را فدای آزادی ایران نمود.^{۵۷} بی دلیل نبود است که ناپلئون می‌گوید: «آن قدر که من از یک روزنامه‌نگار می‌ترسم، از صدهزار سرنیزه نمی‌ترسم».

آگاهی‌رسانی فرهنگی

در این روزنامه مقالاتی درباره خبرهای فرهنگی نیز به چشم می‌خورد. برای مثال ستونی به اخبار فرهنگی شهرهای ایران اختصاص داده شده است. مانند اخبار فرهنگی بابل،^{۵۸} گلپایگان^{۵۹} و ...

خلاصه‌ای از سخنرانی‌هایی که در کانون بانوان^{۶۰} انجام می‌گرفت نیز در این روزنامه آورده شده است. برای نمونه در سال ۱۳۲۷ ش/ ۱۹۴۸م سخنرانی صدیقه دولت‌آبادی^{۶۱} درباره گزارش پایان سیزدهمین سال تحصیلی این کانون در این روزنامه آمده است. همچنین مریم میرهادی در مجلس یادبود دکتر فاطمه سیاح، زندگی‌نامه‌ای از او را در کانون بانوان سخنرانی نمود.^{۶۲}

سخنرانی بانو پریش سرخوش،^{۶۳} دانشجوی دانشکده دندان پزشکی، درباره «اهمیت مقام مادر»^{۶۴} که معتقد است پیش از هر مسئله‌ای زن

۵۵. سال ۱، شماره ۳، ۴ آبان ۱۳۲۶، ۲۷ اکتبر ۱۹۴۷، ص ۱.

۵۶. برای آگاهی بیشتر رک به: محمد مسعود؛ روزنامه مرد امروز؛ با مقدمه محمد علی سپانلو؛ دوره آخر، تهران: نشر اسفند، ۱۳۶۳.

۵۷. روزنامه ندای زنان، سال ۱، شماره ۱۸، ۳ اسفند ۱۳۲۶، ۲۳ فوریه ۱۹۴۸، ص ۱.

۵۸. همان، سال ۱، شماره ۲۲، ۹ فروردین ۱۳۲۷، ۲۹ مارس ۱۹۴۸، ص ۲.

۵۹. سال ۱، شماره ۲۷، ۱۰ خرداد ۱۳۲۷، ۳۱ مه ۱۹۴۸، ص ۲.

۶۰. کانون بانوان مهم‌ترین مجععی بود که زنان در دوره تجدد برای کوشش‌های ادبی خود پدید آوردند. در ابتدا هاجر تربیت نخستین مدیر این کانون بود. برای آگاهی بیشتر رک به: فتحی، مریم؛ کانون بانوان با رویکردی به ریشه‌های تاریخی حرکت‌های زنان در ایران؛ تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۳.

۶۱. صدیقه دولت‌آبادی فرزند حاج میرزا هادی دولت‌آبادی و زنی از خاندانی روحانی است که در زمینه آموزش، آگاهی دادن به زنان، انتشار روزنامه و مبارزه در راه حقوق زنان، کارهای ارزشمندی را انجام داده است. برای آگاهی بیشتر رک به: دولت‌آبادی، صدیقه؛ نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها؛ به کوشش افسانه نجم‌آبادی و مهدخت صنعتی؛ سه جلدی، شیکاگو: انتشارات نگارش و نگارش زن، ۱۳۷۷.

۶۲. سال ۱، شماره ۲۱، ۲۴ اسفند ۱۳۲۶، ۱۵ مارس ۱۹۴۸، صص ۱ و ۴. در این روزنامه به علت سوگ بانو دکتر فاطمه سیاح، مطلبی از محمد مطیعی مدیر مجله ملی کانون فرهنگی مقاله‌ای آورده شده است. برای آگاهی بیشتر رک به: سال ۱، شماره ۲۱، ۲۴ اسفند ۱۳۲۶، ۱۵ مارس ۱۹۴۸، ص ۱.

۶۳. پریش سرخوش دندانپزشک، مترجم اداره امور بین‌المللی، رئیس اداره امور مراکز جوانان، مدیر کل خدمات اجتماعی در وزارت کار و امور اجتماعی و همچنین بانوی سیاستمدار و نماینده مجلس در دوره بیست و سوم مجلس شورای ملی ایران بود.

۶۴. روزنامه ندای زنان، سال ۱، شماره ۱۰، ۳۰ آذر ۱۳۲۶، ۲۲ دسامبر ۱۹۴۷، صص ۱ و ۳.

۶۵. همان، سال ۱، شماره ۱۰، ۳۰ آذر ۱۳۲۶، ۲۲ دسامبر ۱۹۴۷، صص ۱ و ۳.

۶۶. سال ۱، شماره ۱۲، ۱۴ دی ۱۳۲۶، ۵ ژانویه ۱۹۴۸، صص ۱-۲.

۶۷. همان، صص ۱-۲.

۶۸. برای آگاهی بیشتر رک به: روزنامه ندای زنان، «مسئله فلسطین و موضوع جنگ آینده»، سال ۱، شماره ۲، ۲۷ مهر ۱۳۲۶، ۲۰ اکتبر ۱۹۴۷، ص ۱.

۶۹. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: روزنامه ندای زنان، «دولت ایران به یادداشت دولت شوروی پاسخ می‌دهد»، سال ۱، شماره ۲۳، ۱۶ فروردین ۱۳۲۷، ۶ آوریل ۱۹۴۸، صص ۱-۲.

۷۰. سال ۱، شماره ۲۵، ۶ اردیبهشت ۱۳۲۷، ۲۶ آوریل ۱۹۴۸، ص ۱.

۷۱. سال ۱، شماره ۲۵، ۶ اردیبهشت ۱۳۲۷، ۲۶ آوریل ۱۹۴۸، ص ۱.

۷۲. سال ۱، شماره ۱۳، ۲۸ دی ۱۳۲۶، ۱۹ ژانویه ۱۹۴۸، ص ۱.

وی زنی نقاد نبود و بیشتر در اشعار خود از شاه و خاندان او تمجید و ستایش می‌کرد. هرچند این نشریه در بحث بهداشت و آگاه نمودن زنان به مسائل مهم بهداشتی در آن دوره بسیار مؤثر و تأثیرگذار بوده است، اما بر این اعتقاد بود که اصلاح جامعه از طریق تربیت بانوان امکان‌پذیر خواهد شد و حیات اجتماعی بشر مرهون تعلیم و تربیت است.

کتابنامه

۱. ابوترابیان، حسین؛ مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶؛ تهران: اطلاعات، ۱۳۶۶.
۲. بریان، صدیقه؛ نشریات ویژه زنان (سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر)؛ تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۱.
۳. برزین، مسعود؛ شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی؛ تهران: بهجت، ۱۳۷۱.
۴. دولت آبادی، صدیقه؛ نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها؛ به کوشش افسانه نجم‌آبادی و مهدخت صنعتی؛ سه جلد؛ شیکاگو: انتشارات نگرش و نگارش زن، ۱۳۷۷.
۵. دایرةالمعارف زن ایرانی؛ به سرپرستی مصطفی اجتهادی؛ جلد دوم، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، ۱۳۸۲.
۶. روستایی، محسن و سلامی، غلامرضا؛ اسناد مطبوعات ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۲)؛ جلد چهارم، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶.
۷. ساناساریان، الیز؛ جنبش حقوق زنان در ایران؛ مترجم نوشین احمدی خراسانی؛ تهران: اختران، ۱۳۸۴.
۸. سعیدی، نیره؛ «نیم قرن روزنامه نگاری زنان ایران»؛ روزنامه کیهان، شماره ۲۶، ۷۹۹۸، اسفند ۱۳۴۸.
۹. شاه‌حسینی (شادمانی)، مه‌ری، زنان شاعر ایران؛ تهران: مدبر، ۱۳۷۴.
۱۰. صدری طباطبایی نائینی، محمد؛ راهنمای مطبوعات ایران (۱۳۵۷-۱۳۰۴)؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۱. فتحی، مریم؛ کانون بانوان بارویکردی به ریشه‌های تاریخی حرکت‌های زنان در ایران؛ تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۳.
۱۲. فرخ‌زاد، پوران؛ زن از کتیبه تا تاریخ؛ دانشنامه زنان فرهنگ‌ساز ایران و جهان؛ جلد دوم، تهران: انتشارات زریاب، ۱۳۷۸.
۱۳. فرخ‌زاد، پوران؛ کارنامه زنان کارای ایران از دیروز تا امروز؛ تهران: قطره، ۱۳۸۱.
۱۴. گلبن، محمد؛ گلزار خاموش؛ یادنامه بانو راضیه دانشیان (گلبن) به همراه مقالاتی درباره زنان؛ تهران: رسانش، ۱۳۷۹.
۱۵. مسعود، محمد؛ روزنامه مرد امروز؛ با مقدمه محمدعلی سپانلو؛ دوره آخر، تهران: نشر اسفار، ۱۳۶۳.
۱۶. میرهادی، مریم؛ زندگانی زن؛ تهران: تابان، ۱۳۳۴.
۱۷. میرهادی، مریم؛ دیوان ناهید؛ تهران: چاپخانه دولتی ایران، ۱۳۳۷.
۱۸. میرهادی، مریم؛ تاریخ نویسندگان پارس؛ تهران: تابان، ۱۳۳۹.
۱۹. منگنه، نورالهدی؛ ناقوس؛ تهران: کتابخانه ابن سینا، ۱۳۳۶.

شوروی می‌پرداخت. از جمله درباره قرارداد ۱۹۲۱ م مقالاتی را نگاشته است.^{۷۳} در این روزنامه اخبار و خبرهای جهان هم دیده می‌شود. برای نمونه درباره کناره‌گیری پادشاه رومانی.^{۷۴}

تبلیغات

آگهی‌های گوناگونی نیز در این روزنامه آمده است؛ از جمله آگهی تغییر مطب^{۷۵} مانند تغییر ساعات کاری مطب مریم میرهادی در تابستان و زمستان^{۷۶} و تبلیغ پزشکان مانند دکتر فریدون میرهادی^{۷۷} و آگهی‌هایی درباره فروش کتاب.^{۷۸}

در یکی از شماره‌های روزنامه ندای زنان آگهی آمده بود که «از شماره آینده، بیوگرافی زنان فداکار و معارف پرور ایران را با دقت مطالعه فرمائید».^{۷۹} همچنین سخنرانی زنان را در کانون بانوان در قالب آگهی به اطلاع خوانندگان می‌رساند. برای مثال: میرهادی روز دوشنبه ۱۷ اسفندماه درباره «لزوم ایجاد روح وحدت بین زنان» سخنرانی نمود.^{۸۰}

ندای زنان آگهی‌های درباره نمایندگی‌های خود در شهرستان‌ها را نیز اطلاع‌رسانی کرده است. برای نمونه در کرمانشاه بانو پروانه رهبر، در آبادان غلامرضا گلگون^{۸۱} و در سنج دوشیزه متین دخت سپهری مخبر نمایندگی ندای زنان بودند. آگهی‌هایی هم در خصوص تبریک،^{۸۲} تشکر،^{۸۳} سپاسگزاری، تسلیت^{۸۴} و سالگرد تأسیس روزنامه‌های دیگر آن دوره^{۸۵} در این روزنامه آمده است و پرداخت بهای آگهی با دفتر اداره بود.

فرجام سخن

مقاله‌هایی که مریم میرهادی در نشریه ندای زنان منتشر می‌کرد، در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و پزشکی، به ویژه در حوزه زنان نگارش می‌شده است. او چون خود پزشک بود، بانوان را بیشتر با مسائل بهداشتی و پزشکی آشنا می‌نمود. همچنین بخش عمده‌ای از بحث‌های سلامت به بهداشت دهان و دندان. که تخصص وی بود. اختصاص داشت. از مطالعه نشریه ندای زنان چنین نتیجه به دست می‌آید که میرهادی زنی فعال بوده است، اما از اشعار او درمی‌یابیم که

۷۳. سال ۱، شماره ۶، ۲۵ آبان ۱۳۲۶، ۱۷ نوامبر ۱۹۴۷، صص ۱ و ۴.
۷۴. سال ۱، شماره ۱۲، ۱۴ دی ۱۳۲۶، ۵ ژانویه ۱۹۴۸، ص ۲.
۷۵. سال ۱، شماره ۳۱، ۱۸ مرداد ۱۳۲۷، ۹ اوت ۱۹۴۸، ص ۳.
۷۶. سال ۱، شماره ۲۶، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۷، ۱۰ مه ۱۹۴۸، ص ۲؛ سال ۱، شماره ۲۴، ۲۴ خرداد ۱۳۲۷، ۱۴ ژوئن ۱۹۴۸، ص ۴.
۷۷. سال ۱، شماره ۲۳، ۱۶ فروردین ۱۳۲۷، ۶ آوریل ۱۹۴۸، ص ۳.
۷۸. سال ۱، شماره ۲۰، ۱۷ اسفند ۱۳۲۶، ۸ مارس ۱۹۴۸، ص ۳.
۷۹. سال ۱، شماره ۱۴، ۲۶ بهمن ۱۳۲۶، ۵ ژانویه ۱۹۴۸، ص ۲.
۸۰. سال ۱، شماره ۲۰، ۱۷ اسفند ۱۳۲۶، ۸ مارس ۱۹۴۸، ص ۴.
۸۱. سال ۱، شماره ۲۹، ۱۴ تیر ۱۳۲۷، ۵ ژوئیه ۱۹۴۸، ص ۳.
۸۲. سال ۱، شماره ۲۱، ۱۶ فروردین ۱۳۲۷، ۶ آوریل ۱۹۴۸، ص ۳.
۸۳. مجله ندای زنان، سال ۱۶، شماره ۴۲، ۳ خرداد ۱۳۴۲، ص ۱۷.
۸۴. روزنامه ندای زنان، سال ۱، شماره ۳۲، اول شهریور ۱۳۲۷، ۲۳ اوت ۱۹۴۸، ص ۳.
۸۵. مجله ندای زنان، شماره ۳۶، سال ۱۴، صص ۲۲ و ۲۳ و مجله ندای زنان، شماره ۴۰، سال ۱۵، ۴ آبان ۱۳۴۱، صص ۲۷ و ۲۸.